

درس چهارم:

بندهای بدنه

تقریباً همه کلاس جواب دادند چه بلایست
معلم تیرید کرد و گفت حالا به هر بند به
جداگانه نگاه کنید و به این پرسش‌ها فکر کنید
آیا در هر بند موضوع خاصی

شده است؟
جملهای افزاین هر بند
جملههای بهی دارد
بین موضوع هر بند
دیگر چه ارتباطی هست؟
شش سوال متداول
معلم به هر گروه سر می‌رود
روزنامه را موضوع بحث

هر بند
استقلال
نوشته‌ها
بیل می‌ک
جملهها
جملهها
می‌آید
جملهها
گرفته
کشتند
گروه
کلاس
گروه
کار
بعض
چند



بندهای بدنه

معلم نگارش، وارد کلاس شد و روی صندلی خود مقابل بچه‌ها نشست و کتابی از کیفش درآورد. جلد کتاب، آبی بود و روی جلدش با خط درشت نوشته شده بود: «ماتیلدا».

معلم، کتاب را باز کرد و گفت: بچه‌های عزیز، به دو صفحه اول این رمان، گوش دهید تا بعداً بگویم بین این متن با درس جدید، چه ارتباطی هست؛ و اما داستان:

پدر و مادرها حتی اگر فرزندان بدترین موجود عالم باشد، باز گمان می‌کنند؛ تحفه‌ای بی‌همتا است. بعضی از آنها از این هم فراتر می‌روند و فکر می‌کنند، رگه‌هایی از نبوغ در فرزندان هست. آنها معمولاً از هوش سرشار بچه‌هایشان برای ما سخن می‌گویند.

معلمان مدرسه، در چنین مواقعی خیلی رنج می‌کشند. آنها با اینکه می‌دانند؛ این تعریف و تمجیدها هیچ نسبتی با هوش این دانش‌آموز ندارد، مجبورند، همین‌طور گوش بدهند و با تکان دادن سرشان، تأیید کنند. در ظاهر بخندند و در باطن؛ غصه بخورند.

اگر من معلم بودم، برای این والدین چیزهایی می‌نوشتم و به آنها نشان می‌دادم که اوضاع آن قدرها هم گل و بلبل نیست! مثلاً می‌نوشتم: «پسر شما ماکسیمیلیان، جداً افتضاح است. خدا کند کسب و کار خانوادگی داشته باشید که بتواند بعد از ترک تحصیل، آنجا بچپانیدش! وگرنه محال است جای دیگری کاری گیرش بیاید!»

گاهی به پدر و مادرهایی برمی‌خوریم که نقطه مقابل گروه قبلی هستند. هیچ عشق و علاقه‌ای به فرزندان نشان نمی‌دهند... ماتیلدا



که دختری باهوش بود، پدر و مادرش از این دسته بودند و چنان سرگرم زندگی خود بودند که متوجه زیرکی دخترشان نشده بودند... او دلش برای خواندن کتاب پرمی زد... **(ماتیلدا، با تلخیص و اندکی تغییر)**

معلم به این جای داستان که رسید، کتاب را بست و بلند شد و گفت: اکنون این بخش از رمان را در اختیار گروه‌ها می‌گذارم تا درباره آن، گفت‌وگو کنند.

معلم، برگ‌های چاپ شده را بین گروه‌ها تقسیم کرد؛ سپس گفت: اول بگویید؛ این متن چند بند دارد.

تقریباً همه کلاس، جواب دادند: چهار بند.

معلم تأیید کرد و گفت: حالا به هر بند، به‌طور جداگانه نگاه کنید و به این پرسش‌ها فکر کنید:

- آیا در هر بند، موضوع خاصی مطرح شده است؟
- جمله آغازین هر بند، چه فرقی با جمله‌های بعدی دارد؟
- بین موضوع هر بند با موضوع بندهای دیگر، چه ارتباطی هست؟

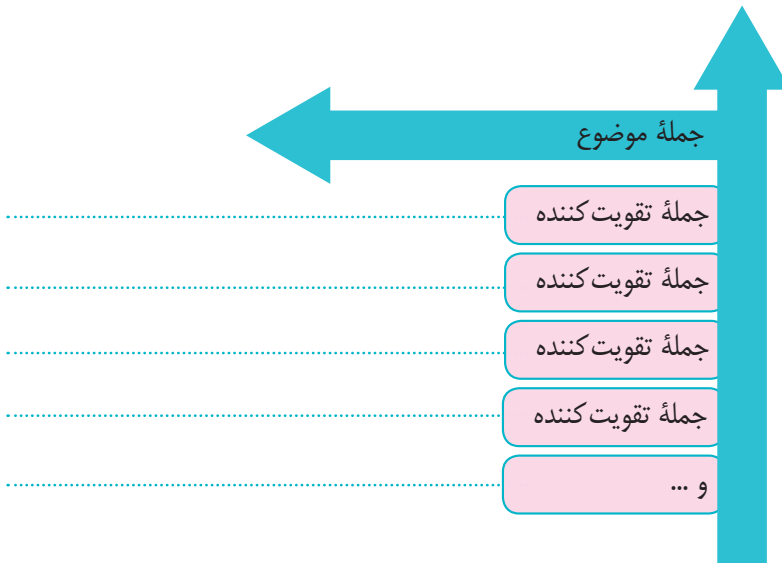
دانش‌آموزان، مشغول بررسی و گفت‌وگو شدند. معلم به هر گروه سر می‌زد و سعی می‌کرد، آنها را در ارتباط با موضوع بحث، راهنمایی کند. بعد از به پایان آمدن فرصت، معلم به دانش‌آموزان گفت: حالا به چند نکته، توجه کنید:

برای آنکه بخش‌های مختلف نوشته شما ارتباط محکمی با هم داشته باشند؛ باید اجزا و ساختار بند را بیشتر بشناسید.

♦ هر بند، دو قسمت دارد: جمله موضوع، جمله‌های تکمیلی.

هر بند، خودش یک موضوع دارد که در عین استقلال، با موضوع بندهای دیگر هم ارتباط دارد. برای نوشتن یک بند، فکر یا موضوع آن بند را در جمله‌ای بیان می‌کنیم. به این جمله، «**جمله موضوع**» می‌گویند. جمله موضوع، معمولاً در آغاز بند، نوشته می‌شود. بعد از جمله موضوع که جمله اصلی بند است، چند جمله دیگر می‌آید؛ این جمله‌ها همان «**جمله‌های تکمیلی**» هستند. جمله‌های تکمیلی برای تأیید، توضیح و یا برای کامل‌تر کردن مقصود جمله موضوع نوشته می‌شوند و کامل‌کننده معنای آن هستند.

نمودار زیر ساختار بند را نشان می‌دهد:



حالا یک بار دیگر به متن قبلی، نگاه کنید. هر گروه به ترتیب، یک بند آن را بررسی کند و نتیجه را در کلاس بیان نماید.

بعد از چند دقیقه، معلّم، پشت میز نشست و از گروه‌ها خواست تا نتیجه کارشان را گزارش دهند. نتیجه کار گروه‌ها به این صورت بود:

● **گروه اوّل:** موضوع بند اوّل علاقه بیش از حد بعضی از پدرها و مادرها، به فرزندانشان است. این جمله، «پدر و مادرها حتی اگر فرزندشان بدترین موجود عالم باشد، باز گمان می‌کنند؛ تحفه‌ای بی‌همتاست»؛ **جمله موضوع** و جمله‌های بعدی، **جمله‌های تکمیلی** هستند.

● **گروه دوم:** بند دوم اندازه بند اوّل است و از بندهای دیگر کوتاه‌تر است. موضوع بند درباره رنجی است که معلّم‌ها از علاقه زیاد پدران و مادران نسبت به فرزندشان، تحمّل می‌کنند. جمله «معلّمان مدرسه در چنین مواقعی، خیلی رنج می‌کشند»؛ جمله موضوع است و جمله‌های دیگر هم تکمیل کننده جمله اوّل هستند.

● **گروه سوم:** بندسوم، بلندترین بند این متن است. موضوع این بند، واکنش نشان دادن به تعریف و تمجیدهای اغراق آمیز پدرها و مادرها از فرزندانشان است. جمله موضوع، «اگر من معلم بودم، برای این والدین چیزهایی می‌نوشتیم و به آنها نشان می‌دادم که اوضاع آن‌قدرها هم گل و بلبل نیست!» است. جمله‌های بعدی هم تکمیل‌کننده همین پیام هستند.

● **گروه چهارم:** موضوع بندچهارم، برعکس موضوع بند اول است؛ یعنی بی‌علاقگی بیش از اندازه پدر و مادرها به فرزندانشان. جمله موضوع که مثل بندهای دیگر در ابتدا آمده این است: «گاهی به پدر و مادرهایی بر می‌خوریم که نقطه مقابل گروه قبلی هستند». جمله‌های بعدی هم مثال‌هایی است که برای تکمیل و تأیید جمله موضوع نوشته شده‌اند. سرانجام، معلم، همه گروه‌ها را تشویق کرد و گفت: خوشحالم که درس را به‌خوبی یاد گرفته‌اید. در این درس آموختیم که هر نویسنده تلاش می‌کند، معمولاً، نخست حرف اصلی خود را در اولین جمله نوشته، بیاورد و در ادامه، همان معنا و مقصود را کمی بیشتر گسترش بدهد و کامل‌تر بیان کند.





فعالیت‌های نگارشی

♦ پس از خواندن بند زیر، جمله موضوع و جمله‌های کامل کننده را مشخص کنید.

سخن گفتن در برابر جمع، برای خیلی‌ها با هیجان و هراس، همراه است. ریشه این هیجان و هراس، در دوران کودکی این افراد، نهفته است. این هیجان و هراس، با آنها به دنیا نیامده است. این گونه، یاد گرفته اند یا از دیگران به آنها منتقل شده است. روان شناسان می گویند: «بیشتر مشکلات در بزرگسالی، به دوران کودکی برمی گردد». اگر این سخن روان شناسان درست باشد، پس هیجان و هراس، از سخن گفتن در برابر جمع هم، به تربیت و آموزش دوران کودکی ما برمی گردد.

جمله موضوع:

.....
.....
.....

جمله‌های کامل کننده:

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

بنو یسید.

[illegible]

◆◆◆ هریک از بندهایی را که دوستانتان در تمرین قبل نوشتند و در کلاس خواندند، با سنجه‌های زیر، ارزیابی کنید و نتیجه را بنویسید.

معیارهای ارزیابی :

- ◆ داشتن چند جمله
- ◆ داشتن جملهٔ موضوع
- ◆ داشتن چند جملهٔ تکمیل‌کننده
- ◆ ارتباط و نظم بین جملهٔ موضوع و جمله‌های تکمیل‌کننده
- ◆ شیوهٔ خواندن
- ◆ درست‌نویسی

نتیجهٔ بررسی و داوری:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

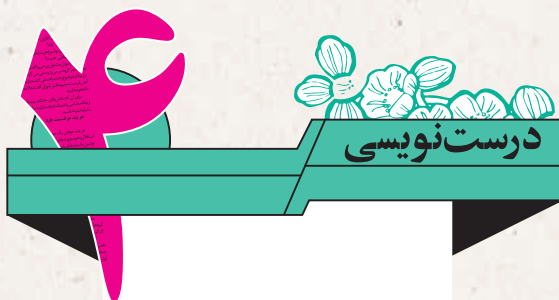
.....

.....

.....

.....





♦ این کار و رفتار ما، خوب نیست.

♦ این کار و رفتار ما، خوبیّت ندارد.

جمله نخست، درست است. کلمه «خوب» واژه‌ای فارسی است و نباید با نشانه «یت» همراه شود. نشانه «یت»، ویژه کلمات عربی است. بنابراین، به کارگیری کلمات منیّت، دوئیّت و... نادرست است و کلمات انسانیت، اکثریت، اقلیت، محبوبیت، صحیح است؛ زیرا کلمات انسان، اکثر، اقل و محبوب، ریشه عربی دارند.

♦ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

♦ به خاطر آشنایت با رایانه، در کارش موفق است.

.....

♦ ایرانیت برای تک تک ما، مایه غرور و افتخار است.

.....



♦ به دو تصویر زیر با دقت نگاه کنید؛ درباره تفاوت آنها بیندیشید و هر یک را در نوشته‌ای جداگانه توصیف کنید. معیار سنجش نوشته‌های شما تشخیص دوستانتان است. یعنی زمانی که نوشته‌هایتان را در کلاس می‌خوانید، آنها باید تشخیص دهند؛ هر نوشته مربوط به کدام تصویر است.





